

بی اخلاقی، اخلاق مدنی، ایران امروز



دکتر مهرداد ناظری

یکی از مهم ترین مسائل برای زندگی در یک جامعه مدرن، مسئله اخلاق است. هر چند اخلاق و اخلاقیات ریشه در تاریخ و تمدن بشری دارد، اما اخلاق مدنی، از ویژگی های زندگی در یک جامعه مدنی است. جامعه مدنی جامعه ای است که نهادهای رسمی و غیررسمی در آن مردم را به همراه کردن منافع شخصی با منافع عمومی سوق می دهند. در واقع در جوامع جدید هیچ کس نقش یک قهرمان یا اسطوره را ایفا نکرده و هر شهروندی به عنوان یک انسان دارای ارزش و اعتبار است. لذا بر اساس ویژگی جوامع جدید که به تعبیر «ماکس وبر» مشروعیت-شان، مشروعیتی مبتنی بر عقلانیت است پایه های اخلاق قوام می یابد. اخلاقی که ریشه در نیازها و ضرورت های این عصر دارد. اگر در یک جامعه سنتی، مشروعیت ها از سنت یا تقدس یک فرد نشأت می گیرد، در عصر جدید، نظام تعاملی و ارتباطی مردم بر اساس قراردادهایی شکل گرفته که به حیثیت انسانی و حقوق بر حقه ای تک تک شهروندان توجه دارد. در جامعه مدنی قرارداد خارج از جنسیت، قوم و نژاد نوشته و اجرا می شود و طبیعتاً هیچ کس نباید به حقوق سایر انسان ها تعدی یا تجاوز نماید. اما سوال اساسی این است که چگونه در دنیای مدرن امروزی، انسان ها از مرزهای اخلاقی عبور کرده و گاه به یکدیگر آسیب می رسانند؟ آیا این مسئله ریشه در ضعف قراردادها و تعاریف ما از اخلاق دارد؟ یا اینکه ظرف مدنیت آن قدر شکننده و ظریف است که

نگهداری از آن نیاز به دقت و توجه بیشتری دارد؟ شاید آن چیزی که مرزهای اخلاق را تهدید می کند، متکی بر تضعیف مفاهیمی باشد که گفتمان مدرن را در عصر ما طراحی می کند و این مربوط به جوامعی است که هنوز پایه های مدرنیزاسیون در آنها ریشه ندوانده است. در کشورهای در حال توسعه، اخلاق مدنی حضوری حداقلی داشته و یا این اصول هنوز درونی نشده و به شکل هنجارهای رسمی در نیامده است و چه بسا بسیاری از اقدامات در قالب اخلاقی ترین کارها بر مردم تحمیل می شود که ریشه های تنبیهی دارد. ضمن اینکه همچنان قوانین عرفی پایه متعارف اخلاق و خوب و بد در آن جوامع است. علم اخلاق زمانی به وجود آمد که بشر در جستجوی حاکمیت عقل و ایجاد تناسب در زندگی خود بود. هر چند عقلانیت یک سویه نیز به تقویت شر و خشونت منجر گردید. اما در هر حال علمای علم اخلاق همواره تلاش کردند اخلاقی را تبیین نمایند که به آزادی و عدالت برای انسان کمک نماید. ایجاد روش هایی برای داوری که صرفاً به خوب و بد بودن یا خط کشی میان آدم ها منجر نگردد. چه چیز تعیین کننده روابط میان انسان هاست؟ چه باید کرد تا زن و شوهرها، والدین و فرزندان، همسایه ها با یکدیگر، دولت ها و مردم به تعاملی انسانی و رهایی بخش دست یابند؟ آیا آرمان های اخلاقی

که در مدینه های فاضله مطرح شده است، دیگر نیازی به توجه و بازتولید ندارد؟ چگونه می توان اخلاقی زیست، در حالی که هنوز خشونت، در جهان رو به افزایش است؟ آمار قتل، بزهکاری و نزاع و بی بندوباری جنسی رو به افزایش است. آیا انسان اصلاح پذیر نیست؟ یا اینکه قواعد اخلاقی زیستن فراموش شده است؟ بدون تردید جوامع بر حسب تحول فرهنگی به اخلاق مدنی دست یافته اند. هر چند که اخلاق مدنی هم یقیناً متریقی ترین نوع اخلاق در جهان نیست، اما شاید بهترین انتخاب فعلی انسان قرن بیست و یکمی باشد. در جوامع توده وار که هنوز جهان ذهنی افراد را عرف و عادات سنتی می سازد و گستره عمومی شکل نگرفته و روابط انسانی مبتنی بر جهان مدرن شکل نگرفته، هیچ چیز نمی تواند ثبات





و امنیت و آرامش را در آن تثبیت نماید. در جوامع توده وار زن و شوهرها حرف همدیگر را نمی فهمند و با همدیگر دعوا و نزاع می کنند و گاه یکدیگر را می کشند.

پچه ها با والدین خود مشکل دارند و فاصله نسل ها روز به روز بیشتر می شود و دولت ها با مردم همسو و سازگار نیستند و همه چیز در یک فضای درهم و برهم و پرتنش شکل می گیرد. در واقع آنچه جامعه مدنی را پویا و متناظر با نیازها و ضرورت ها می سازد، شکل گیری «جهان روابط» است. روابطی که در عین تاکید بر خرد و عقلانیت به احساسات و ادراکات انسان ها نیز پاسخ مناسبی می دهد.

اگر نگاهی گذرا به مسائل جامعه خودمان بیندازیم به وضوح می بینیم که عدم تثبیت اخلاق مدنی و ارتباطات شهروندی چه پیامدها و هزینه های سنگینی در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به همراه دارد. به عنوان مثال عدم تثبیت فرصت های برابر در اقتصاد به رشد رانت خواری و انحصارگرایی منجر می گردد. یا در حوزه فرهنگ عدم رعایت حقوق مادی و معنوی مولفان و پدیدآورندگان آثار هنری و عدم قبول قانون کپی رایت به مشکلات و مسائل مختلف منجر می گردد که نوعی بی اخلاقی محسوب می شود. مثل جریان سرقت فیلمنامه سریال حضرت یوسف که همچنان نزاع و درگیری در مورد صحت و سقم آن میان طرفین ادامه دارد و یا در حوزه ورزش خروج یک تیم از زمین به دلیل گرفتن پنالتی برای یکی از آن دو به ناحق از سوی داور و عدم پای بندی به قوانین فوتبال حرفه ای، حاکی از آن است که ما در تمام حوزه ها با یک بی اخلاقی مواجهیم. بی اخلاقی که ریشه در نقض قواعد زندگی در دنیای مدرن دارد. وقتی تشکل های مدنی قوام نیافته اند و هنوز حقوق

شهروندی به درستی تعریف و تبیین نشده باشد، این طبیعی است که بی نظمی، خشونت، بی اخلاقی و بی هنجاری تقویت و گسترش می یابد. نباید از یاد ببریم که ماهیت و پایه ی جامعه مدنی ایجاد یک زندگی متعادل خوب و مبتنی بر پیشرفت انسان و اصلاح و ترقی اوست، انسانی که بتواند به دور از هر گونه قید و بندی انسانی زندگی نموده و برای رسیدن به خواسته ها و تمایلاتش هیچ گونه سختی و عذابی را متحمل نشود. انسان در جامعه مدنی ضمن دستیابی به امتیازات و بهره های فراوان دارای مسئولیت و تعهد است. در واقع اخلاق مدنی مثل سکه ای می ماند که یک رویه آن رفاه، امنیت و آزادی و رویه دیگر آن مسئولیت، تعهد و صداقت اخلاقی است. انسان امروز فرضیه های اخلاقی خود را بر روی تصویرهای آرمانی اما شفاف و درست خود بنا کرده است. هر چند اخلاق در قرن بیستم دچار خدشه هایی شد و ما شاهد ظهور فاشیسم و جنگ های خانمان سوز اول و دوم بودیم، اما نباید از این موضوع غافل شویم که همین تجربه تلخ رویکردی متفاوت به بشر قرن بیست و یکمی داده است.

اگر در قرن بیستم جنگ و خونریزی یکی از ابزارهای سلطه و قدرت محسوب می شد، امروز صلح و توجه به آن سازنده بینش و بصیرت انسانهاست. لذا با این اوصاف در کشورهایی مثل ایران که همچنان در مسیر و فرایند مدرنیزاسیون پیش می رود فاصله زیادی میان وضعیت مطلوب و وضعیت فعلی دیده می شود. اما باید پذیرفت که استخوان بندی جامعه مدنی ایران در حال شکل گیری است. هر چند که هنوز تشکل های غیررسمی نقش اساسی در تکوین آینده ایران ندارند، اما پایه ها و بستر شهروندمداری گذاشته شده است. امروز همه چیز در حال دگرگونی است حتی هویت مردم در ممالک در حال رشد به

سرعت در حال تغییر و تحول و دگرگونی است. در ایران نیز مردم در شهرها به سرعت در حال شکستن پیوندهای عرفی خود با گذشته هستند و هویتی مبتنی بر جامعه مدنی در حال پا گرفتن است. هم اکنون هر چند شکاف هایی میان دیدگاه ها در طی طریق این مسیر وجود دارد ولی نیروهای اجتماعی نوین به ویژه جوانان و زنان نقش اساسی در این جامعه پذیری دارند. در چنین فضایی نخبگان اجتماعی و فرهنگی نقش اساسی ایفا می کنند. آنها با تئوری سازی و بسترسازی مناسب، به تقویت پایه های اخلاق مدنی مدد می رسانند.

در سال های اخیر چشم انداز روشنی از انسان ایرانی ارائه شده است. چشم اندازی که تا کنون سابقه نداشته و ریشه های علمی داشته و با ارزیابی های تفهیمی و اندیشه ای دنیای جدید همساز است. امروز علیرغم وجود برخی موانع نوع نگاه و چشم انداز به انسان، جامعه و جهان تغییر کرده است و این درست نقطه ای است که در گذشته مانع رشد هویت مدنی جامعه ایران شده است. هر چند هنوز تعصبات و خرافه گرایی در جامعه ایران رو به تزاید است، اما از طرف دیگر زمینه های اجتماعی - روانی مناسبی برای رشد مدرنیته ایرانی فراهم آمده است. در این چشم انداز و پوست اندازی، تساهل و تسامح جای خشونت، انتقاد جای قضاوت، تفکر جای تعصب، را می گیرد و زمینه را برای مشارکت فعال نیروهای اجتماعی فراهم می کند و این رهیافتی است که خوش بینی را برای ما به ارمغان می آورد و اخلاق مدارا، تساهل، تسامح و کنش های ارتباطی چندجانبه را تثبیت می نماید.